

## گونه‌شناسی کالبدی- فضایی آرامگاه‌های مذهبی صفوی اصفهان

آزیتا بلالی اسکویی<sup>۱\*</sup>، یحیی جمالی<sup>۲</sup>

۱- دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۲۵، تاریخ پذیرش نهائی: ۱۳۹۸/۱۱/۱۸)

### چکیده

دوره صفوی به عنوان یکی از ادوار شاخص در زمینه معماری مقابر مذهبی شناخته می‌شود و به تبع آن، خطه اصفهان در این دوره به عنوان پایتخت حکومت نیز، آینه تمام‌نمایی از معماری این عصر به شمار می‌رود. هدف از پژوهش، شناخت و مدون‌سازی و دسته‌بندی ویژگی‌های کالبدی-فضایی انواع گونه‌های این نوع از معماری است که به دلیل کم‌توجهی به آثار موجود و به تبع آن، تخریب تدریجی آن‌ها، ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به دو سؤال است. (یک) بناهای آرامگاهی مذهبی دارای چه ویژگی‌های کالبدی فضایی هستند (دو) وزن‌دهی هر یک از ویژگی‌های مورد بررسی، به چه ترتیب است. در این راستا ابتدا، بازنشاسی شاخصه‌های محل دفن در پرتو تعالیم اسلامی و اصول معماری آرامگاهی صورت پذیرفت و سپس ۱۷ آرامگاه مذهبی، در محدوده اصفهان صفوی و مناطق تابعه، شناسایی شده و بر مبنای شأن فرد متوفی، به دو گونه کلی آرامگاه‌های امامزادگان و آرامگاه‌های علما دسته‌بندی شده و اصول و ویژگی‌های کالبدی-فضایی آنها به روش توصیفی-تحلیلی و به صورت مجزا مورد واکاوی و بررسی قرار گرفت. در انتها با کنار هم قرار گرفتن تحلیل‌های صورت پذیرفته در مورد هر نمونه، نتایج آماری قابل تأملی در خصوص ویژگی‌های غالب، بر معماری آرامگاه‌های مذهبی دوره صفوی، در هر یک از مؤلفه‌های مورد بحث و در هر یک از دو گونه مورد بررسی، منتج و ارائه شد که از جملگی آن‌ها که در هر دو گونه مورد بحث، مشترک نیز بود، می‌توان به برونگرایی و رعایت سلسله مراتب خاص ورود به آرامگاه‌ها و هندسه مرکزگرای فضای اصلی غالب آن‌ها اشاره کرد.

**کلید واژه‌ها:** معماری آرامگاه، ساختار کالبدی- فضایی، صفوی، اصفهان

\*- نویسنده مسئول: Email: a.oskoyi@tabriziau.ac.ir

## پرسش‌های پژوهش

۱. بناهای آرامگاهی مذهبی اصفهان، چه ویژگی‌های کالبدی-فضایی دارند؟
۲. وزن‌دهی ویژگی‌های کالبدی فضایی بقاع مذهبی اصفهان به چه ترتیب است؟

## ۱- مقدمه

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که: «هر کس مرا بعد از وفاتم زیارت کند مثل کسی است که در زمان حیات مرا زیارت کرده است و من شاهد برای او شفاعت کننده در روز قیامت خواهم بود» (ری شهری، ۱۳۸۷: ۵۱۱). امام صادق (ع) می‌فرماید: «زیارت قبر امام حسین (ع) از بهترین اعمال است» و در حدیث دیگری می‌فرماید: «هرگاه خداوند اراده خیری به بنده خود کند در قلب او محبت امام حسین (ع) و زیارت او را قرار می‌دهد» (عاملی، ۱۴۰۹: ۳۸۸). بنابراین یاد و زیارت پاکان و معصومان، آدمی را در مسیر پاکی و عصمت قرار می‌دهد و انسان را بیش از پیش به خدا نزدیک می‌کند. چنان که در قرآن می‌خوانیم: «فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ...» (نور: ۳۶). هم چنین متعلقان اولیای الهی مقدس و منشأ اثر دانسته می‌شوند. چنان که پیراهن حضرت یوسف (ع) پدر را بینا کرد (یوسف: ۹۶). از این رو زیارت اولیا و تبرک جستن به آن‌ها دارای اثر خواهد بود. هم چنین بر اساس آیه شریفه «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ...» (الرحمن: ۶۰)، خواندن نماز و قرآن و هدیه ثواب آن به آن امام، به حتم دعای آن امام را در حق ما به دنبال خواهد داشت.

به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان نیز، نظم، امنیت، علم، وحدت و تعاون، عوامل فرهنگ سازی هستند که ادیان و انبیاء الهی، یکی از اصلی‌ترین پایه‌گذاران این عوامل در میان جوامع هستند (حجازی، ۱۳۴۹: ۲۵). با عنایت به این مفهوم، صلحا و امامزادگان نیز به واسطه رسالت خویش که در راستای رسالت انبیاء الهی است، از نقشی اساسی در تربیت جامعه برخوردار هستند. اولیای الهی بهترین الگوهای هستند که هم‌نشینی با ایشان، تأثیر شگرفی بر تربیت صحیح و رشد و تکامل انسان خواهد گذاشت.

اهمیت بقاع متبرکه در ایران در حدی است که وجودشان در بسیاری از موارد، اصلی‌ترین دلیل احداث اولیه یا توسعه شهرها بوده است. امامزادگان، زوآر خود را از شهرها، پس کرانه‌ها یا شهرهای اطراف، پذیرا هستند (costa and eccles, 1996: 84). امامزادگان می‌توانند، با حفظ کارکردهای فرهنگی خویش، موگد و حافظ ارزش‌های اسلامی شده، به بازسازی و پالایش روانی و معنوی افراد کمک نموده و به موجب معماری کم نظیر خود، باعث افزایش گردشگری مذهبی شوند (اثنی عشران و تقی پور، ۱۳۹۶: ۷۶). در این بین معماری دوره صفوی به عنوان یکی از ادوار درخشان و نقطه عطفی در حوزه ساخت و ارزش نهادن به بناهای آرامگاهی، می‌تواند الگوی مناسبی در راستای حفظ و تقویت ویژگیها و کارکردهای ذکر شده باشد. هدف از پژوهش پیش رو، مستندنگاری ویژگی‌های کالبدی-فضایی معماری آرامگاهی مذهبی و بازشناسی و دسته‌بندی

مدون اصول این گونه از معماری به عنوان یکی از گونه‌های مغفول در پژوهش‌های معماری و پاسخ به سؤالات: ۱. بناهای آرامگاهی مذهبی دارای چه ویژگی‌های کالبدی فضایی هستند؟ ۲. وزن دهی هر یک از ویژگی‌های مورد بررسی، به چه ترتیب است؛ می‌باشد، که به علت کمبود منابع مکتوب و مستند در این حوزه، قدمت بالا و قرار گرفتن آن‌ها در معرض ویرانی، نیاز به توجهی بیش از پیش دارد. در این تحقیق به بررسی و بازشناسی ویژگی‌های کالبدی-فضایی معماری آرامگاه‌های مذهبی بر مبنای شأن صاحب بقعه، به روش توصیفی تحلیلی در دوره صفوی و در اصفهان به عنوان مرکز نخستین حکومت فراگیر شیعی در ایران پرداخته خواهد شد.

## ۲- پیشینه تحقیق

در حوزه گونه‌شناسی در معماری به عنوان گامی در فهم و دسته بندی ویژگی‌ها و اصول مشترک پدیده‌ها، پژوهش‌هایی صورت پذیرفته است؛ اما با توجه به ویژگی‌ها، اقسام و گستردگی زمانی و مکانی زیاد معماری ایران، نیاز به پژوهش‌هایی از این جنس، بیش از پیش به چشم می‌خورد. از جمله پژوهش‌های صورت پذیرفته در این موضوع، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

معماریان و همکاران (۱۳۹۲) در راستای بررسی گونه و گونه شناسی در معماری و ارائه تفسیرهای گوناگون از آن به این نتیجه رسید که می‌توان گونه را به گروهی از اشیا با ویژگی‌های مشترک اطلاق کرد که تعریف این ویژگی‌ها، بسته به تفسیری که از آن می‌شود قابل تغییر است. فرح بخش و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان گونه

شناسی خانه‌های تاریخی بافت قدیم مشهد در دوره قاجار تا پهلوی اول، خانه‌های تاریخی شهر را بر اساس شکل و فرم عناصر به علاوه فضاهای داخلی، به سه دسته، شامل دو گونه قجری با معماری درونگرا و پهلوی اول با فرم برونگرا تفکیک و دسته بندی کردند. خادم زاده و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله گونه شناسی مساجد تاریخی کردستان، مساجد این حوزه را در قالب دو گونه، بررسی کردند؛ گونه نخست شبستان ستون دار است که راهرو و ایوان با افزوده شدن به شبستان، آن را گسترش می‌دهند و گونه دوم دارای حیات مرکزی و ترکیبی از گونه نخست و مساجد مرکز ایران است. مداحی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله خوانش و فهم کالبد خانه در معماری بومی خراسان بیان نمودند که مسکن این خطه تا قبل از دوره پهلوی، دارای الگوی واحد قرارگیری توده و فضا و سازماندهی بوده که باعث هویت بخشی به بافت می‌شده است و فرهنگ بومی و اقلیم، از مهمترین عوامل شکل دهنده این کالبد بوده اند. خاکپور (۱۳۹۲) جهت بررسی گونه‌های بقاع متبرکه لاهیجان، به واسطه بررسی معماری اقلیمی این خطه، معماری بقاع لاهیجان را دارای همان خصوصیات معماری بومی آن منطقه دانست؛ با تفاوت‌هایی در زمینه جنس و ابعاد و میزان استفاده از مصالح به کار رفته در بنا که این موارد تفرق برگرفته از فرهنگ و معماری عامه است.

در حوزه بررسی معماری آرامگاهی نیز کتاب‌هایی موجود است و پژوهش‌هایی نیز صورت پذیرفته است؛ از جمله: پوپ (۱۳۸۸) در کتاب بررسی معماری ایران، ضمن تقسیم بندی معماری ایران به هشت دوره زمانی و بیان ویژگی‌های کلی، برای هر

هجری بوده است و این الگو مورد اقتباس مذهب‌یون و امرا نیز قرار گرفت و ساخت این قبیل مجموعه‌ها تا دوره تیموری بیشتر در خدمت فرقه متصوفه و حاکمان و از دوره صفوی، بیشتر در خدمت مجموعه‌های منتسب به ائمه اطهار و امامزادگان قرار داشت. مسعودی اصل و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله بررسی مبانی معماری مقابر امامزادگان در ایران، علیرغم کلیه تفاوت‌های زمینه‌ای، فرمی و کارکردی گونه‌های معماری امامزادگان، همگی آن‌ها را دارای اصول مشترکی همچون طبیعت‌گرایی، نمادگرایی، درون‌گرایی، بهره‌گیری از مصالح بوم آورد، هندسه چند ضلعی منتظم، استفاده از نمادها و عناصر مقدس مذهبی و کارکرد فضاهای جمعی دانستند. نظری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی ریشه‌های ایرانی معماری آرامگاهی هند در دوره سلاطین دهلی، چهارجنبه اثرگذار معماری ایرانی بر مقبره رکن عالم هند را هندسه پلان، فرم کلی نمای ساختمان، شیوه حل مسأله انتقالی از تبدیل هشت ضلعی به دایره در ساخت گنبد و مصالح و تزئینات، برشمردند.

با عنایت به موارد ذکر شده و اهمیت مفهوم گونه شناسی، کمبود مطالعه در حوزه شناخت معماری آرامگاهی، با نگرش تحلیلی و موضعی (وابسته به زمان و موقعیت مشخص)، و بازشناسی اصول و ویژگی‌های معماری آن واضح است؛ همچنین در اندک آثار مرتبط برجای مانده در این حوزه نیز رویکرد توصیفی در پرداختن به این مقوله محسوس است. پژوهش پیش رو با تمرکز بر دوره حکومت

یک از دوره‌ها، در هر بخش، به معرفی چند اثر شاخص در حوزه معماری آرامگاهی نیز پرداخته است و برخی از ویژگی‌های کالبدی بنا، همچون وسعت، ابعاد، فرم کلی، نمود تزئینات و غیره را بیان کرده است. کیانی (۱۳۷۹) در کتاب بررسی تاریخ هنر معماری ایران با تقسیم بندی معماری ایران به چند دوره زمانی، ضمن بیان چستی معماری آرامگاهی، به بیان برخی از ویژگی‌های مشترک بین آرامگاه‌ها، همچون فرم کلی و جنس تزئینات پرداخته است؛ و به توصیف شأن بقعه و افراد دخیل در ساخت آن، بیان برخی ویژگی‌های کالبدی، همچون فرم و ابعاد و تزئینات و تحولات در طول زمان، در برخی از آرامگاه‌های شاخص منتسب به دوره‌ی زمانی خاص، پرداخته است. گدار (۱۳۷۷) در کتاب بررسی هنر ایران ضمن معرفی اجمالی بقاع و توصیفات کالبدی محدود، بیشتر تمرکز متن را بر توصیف تزئینات بنا قرار داده است. براند (۱۳۸۷) در کتاب معماری اسلامی، ضمن برشمردن ویژگی‌های آیینی و فرهنگی معماری تدفینی مسلمانان، خاستگاه‌ها و ریشه‌های آن، بیان جنبه‌های نمادین آنها، برشمردن چند نوع اصلی برای معماری آرامگاهی و بیان ویژگی‌های هر یک از آن‌ها، به بررسی برخی آرامگاه‌های بلاد مختلف مسلمان در قالب دسته‌بندی ارائه شده، می‌پردازد. حسینی (۱۳۹۵) در راستای بررسی روند شکل‌گیری مجموعه‌های آرامگاهی در معماری ایران دوران اسلامی، بنابر آراء ابوسعید ابوالخیر به این نتیجه رسید که آغاز ساخت این مجموعه‌ها، در ارتباط مستقیم با شکل‌گیری جریان تصوف در قرن ۴ و ۵

صفوی به عنوان نخستین حکومت متمرکز شیعی، و اصفهان، به عنوان مرکز حکومت و محلّ بروز، پیدایش و رشد معماری شاخص این دوره، به مطالعه تحلیلی و صوری ابنیه آرامگاهی مذهبی دوره صفوی اصفهان و دسته بندی روشن و مدون آن خواهد پرداخت که در نهایت به فهم جدید و ساختارمندی از این گونه معماری منجر خواهد شد.

### ۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر در راستای دستیابی به ویژگی‌های کالبدی فضایی بناهای آرامگاهی مذهبی در اصفهان صفوی و سنجش وزنی هر یک از ویژگی‌های مورد بررسی، با رویکردی عینیت‌گرا نسبت به معماری آرامگاه‌ها به بررسی کالبدی-فضایی آنها در دوره صفوی در اصفهان می‌پردازد و ترکیبی از دو نوع کیفی و کمی و به روش توصیفی-تحلیلی است. به مدد شیوه مطالعه اسنادی کتابخانه‌ای، مباحث تاریخی و اهمیت پرداختن به موضوع در دوره مورد نظر مشهود گردید و به کمک مدارک موجود در آرشیوها و تصاویر به دست آمده از مشاهدات میدانی، نوع و ویژگی‌های عناصر کالبدی-فضایی، معین گردید و سطح افتراق و اشتراک بهره‌مندی از آن‌ها در نمونه‌ها معین شد.

### ۴- ادبیات تحقیق

#### ۴-۱- آرامگاه و معماری آرامگاهی

در فرهنگ فارسی عمید از آرامگاه، تحت عنوان جای آرمیدن، محل آسایش، محل اسکان و مجازاً، گور، مزار و مقبره یاد شده است. در فرهنگ فارسی معین نیز به معنای جای آرمیدن و مجازاً به معنی گور

و قبر معرفی شده است. به طور کلی، آرامگاه، بنایی است که تنی از شخصیت‌های مذهبی یا غیر مذهبی در آن مدفون‌اند. آرامگاه‌های مذهبی، مدفن امامزاده، مصلح یا ولی از اولیاء خداست که بدل به زیارتگاهی عمومی گردیده است. در میان کلیه ابنیه مذهبی، مقابر و امامزادگان از مهمترین بناهای کشور به شمار می‌روند. پس از دوره ساسانی و در ابتدای ورود اسلام به ایران نمی‌توان اثر خاصی از آرامگاه‌ها دید و حتی بالاتر از آن، بیشتر مراسم یادبود و تدفین نیز از جانب مسلمانان مذموم شمرده میشد و تکریم قبور و برپایی مراسم در جوار آن‌ها از عادات ناپسند یهود و مسیحیت برشمرده میشد (گرابار، ۱۳۷۵: ۱۷). اما در همان اثناء، با استدلال در امان ماندن مزار سرداران جنگی از باد و باران، احداث سایبان جایز شد و پس از مدتی نیز مزار اصحاب پیامبر نیز شاخص‌های چادری و چوبی پوشانیده شد که به قبور سایبانی معروف شدند (مسعودی اصل و همکاران، ۱۳۹۷: ۶). از سده اول تا سوم هجری، بنای آرامگاهی قابل اعتنایی در ایران برجای نمانده و شاید بتوان آرامگاه هارون الرشید در خراسان را جزء نمونه‌های اولیه سنت آرامگاه‌سازی در ایران به شمار آورد (غروی، ۱۳۷۶: ۹۹). به تدریج و با استفاده از امکان انطباق فرامین اسلام با فرهنگ‌های موجود در بلاد تازه مسلمان، ایرانیان نیز بخش مهمی از اساطیر خود در مورد مرگ و آیین تدفین و ساخت مقبره را حفظ کردند و سنگ قبر که سنگی برای اطمینان از عدم بازگشت متوفی در اساطیر کهن ایران بود، به عنصر نمادینی جهت نمایش شخصیت متوفی و محلّی برای بروز خلاقیت در هنر مذهبی بدل گردید (همان: ۷).

ابعاد کوچک بنا شده و به صورت معمول، بر یک جنبه بنا، همچون گردن گنبد یا پیش تاق یا هردوی آن‌ها تاکید میشده است (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۳۵۹).

#### ۴-۲- معماری آرامگاهی اصفهان در دوره صفوی

پس از انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت ایران، زمینه برای جذب اقوام و گروه‌ها و مهاجران به سمت اصفهان مساعد شد، همچنین تعداد زیادی از صنعتگران، هنرمندان، شعرا، دانشمندان و فلاسفه به اصفهان آمدند. حکومت متمرکز و قدرتمند در کنار حضور این افراد در اصفهان، عظمت و شکوهی دوچندان به اصفهان بخشید (ریعی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۷). شاه عباس اول پایتخت را از قزوین به اصفهان منتقل کرد و به گواه تاریخ، یکی از پادشاهانی است که به حوزه معماری و شهرسازی، علاقه وافری داشت (پوپ، ۱۳۹۳: ۲۴۹؛ آیت‌اللهی، ۱۳۸۰: ۲۷۴). در این دوران داشتن طرح و نقشه جامع، اهمیتی ویژه داشت و اجزای متشکله معماری در طرح کلی بنا رؤیت میشد و اهمیت می‌یافت (پوپ، ۱۳۹۳: ۲۴۹).

پیرنیا، معماری ایران در دوران پس از اسلام را به چهار شیوه خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی تقسیم بندی کرده است. طبق این تقسیم بندی، شیوه اصفهانی، خود به دو دوره تقسیم شده که دوره نخست آن کمی پیش از دوره صفوی آغاز و تا زمان محمد شاه قاجار ادامه دارد و دوره دوم آن، که در برهه‌ای با دوره نخست همپوشانی زمانی دارد، از عهد افشاریه آغاز و تا پایان قاجار ادامه دارد.

یکی از ابعاد معماری آرامگاهی، ایجاد ارتباط بین جهان مادی و معنوی است و می‌تواند مفاهیم رمزی و نمادین داشته باشد (پوپ، ۱۳۹۳: ۱۳). معماری چهارتاقی به عنوان شالوده معماری ایرانی، نقش بسزایی در مقبره سازی پس از اسلام از خود به جای گذاشته است. این الگو در تمام دوره ساسانی، یکی از مهمترین الگوهای معماری مذهبی بوده و ناگهان پس از اسلام، برای مدتی، حضورش در معماری ایران، کمرنگ شد (سلطانزاده، ۱۳۶۲). از راه‌های مجدد ظهور آن در معماری ایران، با نزدیکترین نوع کارکرد، به معماری ماقبل از اسلام خود، یعنی معماری مذهبی؛ در قامت مقبره سازی بود. آرامگاه امیر اسماعیل سامانی با پلانی مربعی و گنبدی بر محل تقاطع محورهای بنا، شاهدهی بر این مدعا است. آنچه در مورد فرم شکلی مقبره‌ها، مقبول اکثریت پژوهشگران است، تقسیم بندی مقابر به دو دسته برجی شکل و چهارگوش گنبددار است (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۳۴۳-۳۴۲). در اوایل دوره اسلامی، چهارگوش گنبد دار نمایان شد و پس از آن از اواخر قرن چهارم تا هشتم هجری، ساخت آرامگاه‌های برجی بر چهارگوش گنبددار رجحان یافت، اما از قرن نهم هجری آرامگاه‌های برجی-شکل، از رواج افتاد و مقابر چهارگوش گنبددار به عنوان اصلی‌ترین شیوه مقبره سازی مطرح شد (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۴۲-۶۶). در دوره ایلخانی نوعی تحول در مقابر ایجاد شده، بدین معنی که به عظمت و گسترش بیشتری دست می‌یابد که نمونه آن میتوان به گنبد سلطانیه در زنجان اشاره کرد (برتون، ۱۳۷۷: ۹۵). در عصر تیموری، مقابر چهارگوش بیشتر در

آرامگاه‌های متقدم این دوره، نمایانگر این مسأله است که، در این قسم از بناهای این دوره، هرگز به گونه‌ی منظم، از سه بعد استفاده نشده است. در برخی موارد نیز، تندیس گونگی بنا بر سایر ویژگی‌های آن غلبه داشته است (هیلن براند، ۱۳۸۰: ۴۸۵-۴۸۴).

فرم مقابر برجی با گنبدهای مخروطی که در گذشته رایج بود، جای خود را به بناهای گنبدداری دادند که بر پهنای بنا نیز به اندازه‌ی ارتفاع آن تأکید می‌کردند. در راستای این تأکید، هندسه‌ی مربع و یا هشت ضلعی، هندسه‌ی غالب بر این قسم بناها شد و قسمت‌های داخلی بنا بر خلاف ادوار گذشته که محدود و کوچک بود، وسیع‌تر در نظر گرفته می‌شد. حضور محراب در این ابنیه عمومیت یافت و گاه‌ها حیاط یا باغ‌هایی نیز به آنها متصل می‌گشت (هیلن براند، ۱۳۸۰: ۴۷۹). استفاده از الگوی چهارگوش گنبددار و شکل‌های مرتبط همچون هشت و نیم‌هشت گنبددار، برخلاف برج مقبره‌ها، که دچار نوعی بن بست سازه‌ای بودند و در درجه اول برای ارائه تزئینات پرکاربرد، استفاده می‌شدند، در عین اینکه امکانی برابر را برای تزئینات فراهم می‌آورد، تجربه‌ی فضاسازی را هم ترغیب می‌کرد و اینگونه بود که در معماری تدفینی، نقش بارزتری به آن‌ها داده شد (هیلن براند، ۱۳۸۷: ۲۹۰). فکر یک پلان متمرکز شعاعی، بیان کامل خود را در قالب هشت ضلعی گنبددار یافت. این هشت ضلعی بود که می‌توانست با نیازهای کانون مرکزی بقعه - که معمولاً با صندوق قبر یا ضریح تجهیز می‌شد - به نیکی تلفیق شده و فضای کافی برای طواف و حداکثر میدان برای تدابیر فضایی و معماریانه باقی بگذارد. در این قسم از بناها، برخلاف برج مقبره‌ها،

خاستگاه این شیوه، بر خلاف نامش، خطه‌ی آذربایجان است، اما در اصفهان رشد کرده و برترین بناهای این دوره در اصفهان قابل ملاحظه است (پیرنیا، ۱۳۹۴: ۲۸۶).

به واسطه‌ی استقرار حکومت شیعی مقتدر در دوران صفوی در ایران، فضا، بیش از پیش برای توجه و احداث این بقاع فراهم گردید. شهر اصفهان نیز به واسطه‌ی پایتختی حکومت صفوی، نقطه‌ی امنی برای این امر شد. در دوره‌ی صفوی، به لحاظ کمیت و کیفیت معماری، مقابر زیارتگاهی بر مقابر غیر مذهبی رجحان دارند و عرصه‌ی آن قسم مقابر، غالباً بسیار بزرگ و مشتمل بر بناهای فرعی، باغ‌های گسترده و حیاط‌های مجاور یکدیگر بود (هیلن براند، ۱۳۸۷: ۲۹۴). عامل افزایش مقیاس، برای معمار، این امکان را فراهم کرده است که به مسائل فضائی بیشتر اهمیت دهد. مقابر منفرد دوره صفوی، پیچیدگی‌های بدیعی در طرح و ارتفاع دارند. یکی از ویژگی‌های آن‌ها، کاهش محسوس سطوح دیوارها، چه از داخل و چه از خارج بنا است؛ طاق نماهای عمیقی در بدنه دیوارها و قوس‌های متداخل از دیگر شاخصه‌های معماری آرامگاهی دوره‌ی صفوی است. بالاخانه‌های داخلی و خارجی به عمق نقشه‌ی نما می‌افزایند و شباک‌ها یا تاق‌های مقرنسی و قاب‌ها نیز، دهانه‌های خاصی را مفصل‌بندی میکنند. کثرت پنجره‌ها امکان بهره‌مندی از بازی نور و سایه را برای معمار فراهم می‌آورد. سطوح مختلف نور و رویه و بافت، در کنار یک دیگر هستند و نقش‌مایه‌ی مشابهی به موازات محورهای افقی و عمودی، تشکیل می‌شود و آنچه حاصل می‌شود، فضایی متنوع و دلنشین را پدید می‌آورد. بررسی

می توان برخی از این ویژگی ها را تدابیر معمارانه ای دانست در راستای پاسخگویی بهتر به مسائل و احکام شرعی و برخی دیگر از این ویژگی ها، بخشی از زنجیره تداوم معماری ایرانی است که این بار در قالب معماری آرامگاهی به حضور خود در بستر شهر ادامه می دهد.

که فضای داخلی در آنها بی اهمیت و هدفشان تشخیص بنا، از بیرون بود؛ فضای داخلی به عنوان فضایی که باید به طور مرتب استفاده شود، مورد توجه ویژه قرار گرفت و خارج بنا، اهمیتش کم رنگ تر شد (همان: ۲۸۱-۲۸۰). با توجه به ویژگی های ذکر شده در خصوص معماری آرامگاهی، به عنوان یکی از اقسام معماری مذهبی،



تصویر ۱- پراکندگی ابنیه مورد بررسی (مأخذ: نگارندگان)

نوعیت دفن مبتنی بر وصیت شخص متوفی، در تحلیل ها مورد استناد قرار نگرفته اند، چرا که اگر چه قدمت آنها به دوره صفوی بازمی گردد اما به دلیل اینکه پیش از مرگ متوفی و بنا به دلایل دیگر احداث شده اند، نمی توان آنها را در زمره تحلیل ها لحاظ نمود و فقط به دلیل قدمتشان، به توضیح مختصری پیرامون آنها بسنده شد. آرامگاه سید رضی نیز با توجه به مستندات موجود و با عنایت به تخریب بنا در عصر کنونی، قابلیت بررسی همه جانبه را نداشت و صرفاً مواردی که از صحت آنها اطمینان حاصل شده بود و اطلاعات کافی در اختیار بود، مورد بررسی قرار گرفت.

در تحلیل ها و بررسی های صورت پذیرفته در دو جدول ۱ و ۲، به واکاوی بخشی از شاخصه های

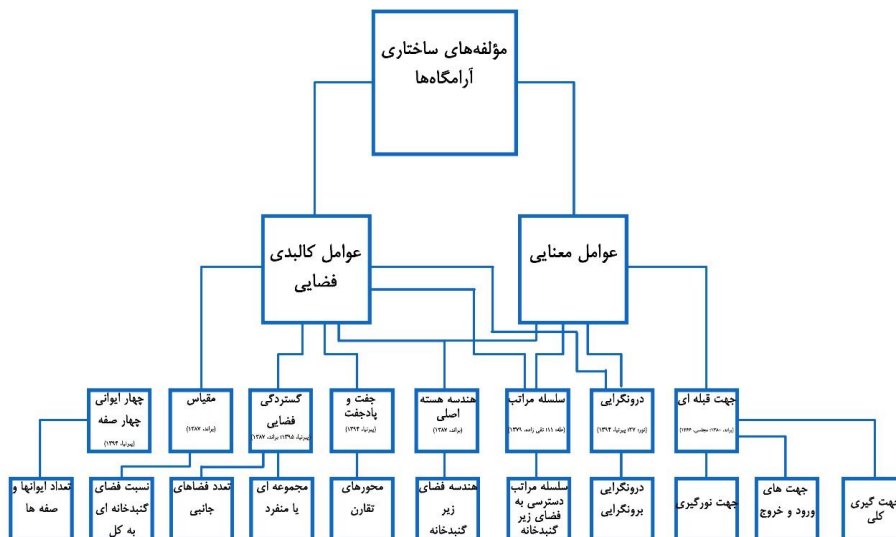
## ۵- یافته ها

در انتخاب آرامگاه های مورد بررسی تلاش شد تا کلیه بقاع منتخب، در محدوده اصفهان و شهرهای نزدیک که قاعدتاً متأثر از شرایط و شاخصه های اصفهان صفوی بودند برگزیده شود. با توجه به این شرایط، تلاش شد تا نمونه های آماری مورد بررسی، از جامعیت مناسبی برخوردار باشند و عمده آرامگاه هایی که در دایره بررسی محاط میشد، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. آرامگاه ها بسته به شخصیت فرد متوفی، به دو دسته تقسیم شدند که یکی از دسته ها مربوط به امامزادگان و دسته دوم متعلق به علمایی است که بر فراز قبور ایشان، بقعه ای بنا شده است. در این بین، آرامگاه میرزا ابوالقاسم فندرسکی و آرامگاه خاتون آبادی اصفهان، به دلیل



کالبدی مرسوم در حوزه مورد بررسی یا مشترک بین این دو (کالبدی-معنایی) بودند؛ همچون برونگرایی یا درونگرایی بنا، برشمردن تعداد ایوان ها و صفاها، جهت گیری کلی بقعه و راستای ورود به بقعه، هندسه کلی بنا و گنبدخانه و نسبت سطح اشغال گنبدخانه به کل بنا، بازخوانی سلسله مراتب دسترسی به گنبدخانه بقعه، بررسی وجود محورهای تقارن، وجود و تعدد فضاهای جانبی و جبهه‌های آفتاب گیر بنا، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

کالبدی-فضایی آرامگاه‌ها پرداخته شد که با توجه به مستندات، در گذر زمان و تا زمان حال، کمتر دستخوش تغییرات شده‌اند و از پرداختن به مواردی همچون تزئینات در مفهوم کلی و موارد این چنینی که ناپایدار هستند و در طول زمان، عمدتاً در معرض الحاقات، تغییرات و تعمیرات قرار می‌گیرند حذر شد، چرا که امکان انعکاس اطلاعات مغایر با واقعیت موجود در عصر صفوی را بالا می‌برد. در این راستا ویژگی‌های کلی کالبدی-فضایی بقاع، که هر یک برخاسته از عوامل معنایی یا عوامل



تصویر ۲- مؤلفه‌های ساختاری آرامگاه‌ها (مأخذ: نگارندگان)

جدول ۱- تحلیل آرامگاه امامزادگان (مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹؛ عقیلی، ۱۳۸۵؛ نگارندگان)

شأن، موقعیت و قدمت بقعه	نقشه بقعه	پرونگرایی و درونگرایی	ایوان و صحنه	جهت گیری بنا	جهت ورود به بقعه	هندسه گنبد خانه	نسبت گنبد خانه به کل	آفتاب گیری بنا	دسترسی به گنبد خانه	مسئله مراتب	محو تبارن	تعداد و موقعیت فضاهای چایی
امامزاده اسماعیل اصفهان، منشکل از مرقد امامزاده اسماعیل بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (ع) و مدرسه ای به همین نام و مسجد و مرقد شعای نبی		نیمه درونگرا نیمه برونگرا	۲- ایوان- ۴ صحنه	شمال شرقی- جنوب غربی								
مزار شاه زید بن علی بن الحسین علیه السلام در اصفهان، بنا شده در دوران شاه محمد خدابنده و مرمت در دوران سلطنت شاه سلیمان صفوی.		برونگرا	ایوان-۳ صحنه	شمال غربی- جنوب شرقی						ندارد		
امامزاده محمد بن احمد بن هارون بن موسی الکاظم علیه السلام در اراک که همه بنا در یک دوره بنا نشده و قدیمی ترین قسمت آن گنبد خانه بنا است که در دوران صفوی ساخته شده است		برونگرا	ایوان-۴ صحنه	شمال شرقی- جنوب غربی						ندارد		
مزار امامزاده سهل بن علی بن ابیطالب علیه السلام در اراک که قدمت آن به دوران حکومت شاه عباس اول بازمی گردد.		نیمه درونگرا- نیمه برونگرا	۲- ایوان- ۴ صحنه	شمالی- جنوبی						ندارد		
امامزاده محمد تفرش، مدفن ابو محمد حسن از نوادگان امام سجاد علیه السلام، برجای مانده از نیمه دوم قرن دهم هجری، ایوان و صحن در نیمه قرن یازده هجری بنا شده است		برونگرا	۲- ایوان- ۴ صحنه	شمال شرقی- جنوب غربی						ندارد		
مزار سلطان امیر احمد کاشان متعلق به میر احمد بن موسی بن جعفر علیه السلام است که بنای کنونی شامل صحن، ایوان، رواق ها و گنبد دوازده ترک آن، متعلق به دوره صفوی است		نیمه درونگرا نیمه برونگرا	۱- ایوان- ۴ صحنه	شمال غربی- جنوب شرقی						ندارد		
بقعه امامزاده محمد اوسط و سلیمان در شهر کاشان، متعلق به دوره صفوی یا پیش از آن.		برونگرا	۳- ایوان- ۴ صحنه	شمال شرقی- جنوب غربی						ندارد		
بقعه هفده تن گلپایگان، محل دفن شانزده امامزاده و یک نفر دیگر، بانی این بقعه، امامقلی خان، سردار مشهور شاه عباس اول است.		برونگرا	۴- ایوان- ۴ صحنه	بدون جهت گیری						ندارد		
مزار هارون بن علی از اولاد و احفاد امام هادی علیه السلام واقع در شهر اصفهان که شاردن زمان احداث این بنا راه دوران حکومت شاه اسماعیل اول می داند.		نیمه درونگرا-نیمه برونگرا	۲- ایوان- ۴ صحنه	شمال غربی- جنوب شرقی						ندارد		

	ندارد									بقعه محمدرضا بن زید بن حسن بن علی علیه السلام که در دوران صفوی، بنا شده و در گذر زمان تغییرات و تعمیراتی در آن صورت پذیرفته است.
--	-------	--	--	--	--	--	--	--	--	--

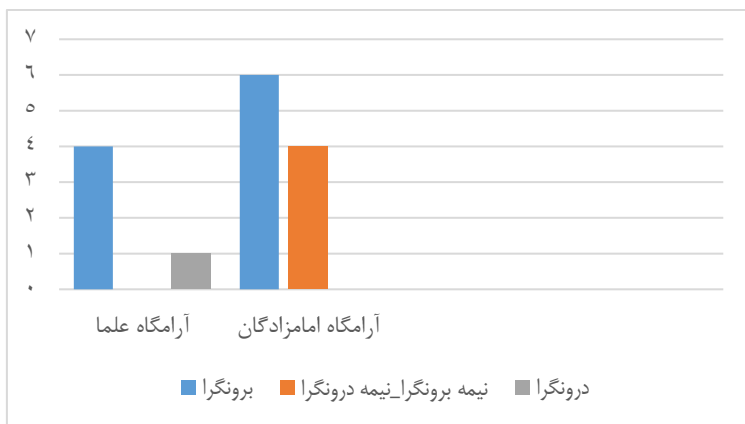
جدول ۲- تحلیل آرامگاه علمای اسلامی (مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹؛ عقیلی، ۱۳۸۵؛ نگارندگان)

شأن، موقعیت و قدمت بقعه	موقعیت	درون‌نگاری و بیرون‌نگاری	ایوان و صفا	جهت‌گیری بنا	به بقعه جهت ورود	هندسه گنبدخانه	نسبت گنبدخانه به کل	آفتاب‌گیری بنا	سلسله مراتب دسترسی به گنبدخانه	محور تقارن	تعداد و موقعیت فضاهای جانبی
بقعه سال ۱۰۲۹ هجری است. آرامگاه بزرگ‌ترین الدین از عراقی بزرگ ششم هجری در اصفهان که تاریخ گنبد سردر مشهور به قند اللها را این بقعه بنا شده است.		بیرون‌نگار	۱- ایوان- ۵ صفا	شمالی- جنوبی						ندارد	
شاه سلیمان یا شاه سلطان حسین صفوی.		بیرون‌نگار	۳ ایوان- ۴ صفا	شمال غربی- جنوب شرقی							
دوره تکمیلی شاه سلیمان، بر مزار وی بنا شد.		بیرون‌نگار	۱۰ ایوان- ۸ صفا	بدون جهت‌گیری						ندارد	
بقعه ملا محمد بن علی باقر تکه‌کنی، مشهور به قنبرسراب، از علمای عهد صفوی در اصفهان که در دوره حکمرانی سلطان حسین صفوی بر مزار وی بنا شد.		بیرون‌نگار	ندارد	بدون جهت‌گیری							
اصفهان در سال ۱۱۳۳ هجری در اصفهان از متعلق به اواخر دوره صفوی.		درون‌نگار	ندارد	شمال شرقی- جنوب غربی							
۱۵۳۳ هجری است. در سیاه‌سجده‌ها بنا شده است. کتیبه سنگی مزار متعلق به مزار حسین است.		-	-	-						-	
این بقعه متعلق به اواخر دوره صفوی و منسوب به میر محمد اسماعیل خانزاد آید. از تعداد کمی، باقی این بقعه، خود میر محمد است که پس از مرگش در همان‌جا دفن شده است.			-	-						-	

### ۵-۱- درونگرایی و برونگرایی

طبق بررسی‌های صورت پذیرفته، از بین ده نمونه مورد بررسی آرامگاه امامزادگان، ۶۰ درصد نمونه‌ها برونگرا هستند و ۴۰ درصد، نیمه برونگرا- نیمه

درونگرا هستند (جدول ۱). آرامگاه علما نیز از میان ۵ نمونه مورد بررسی، ۸۰ درصد برونگرا و ۲۰ درصد درونگرا هستند (جدول ۲).

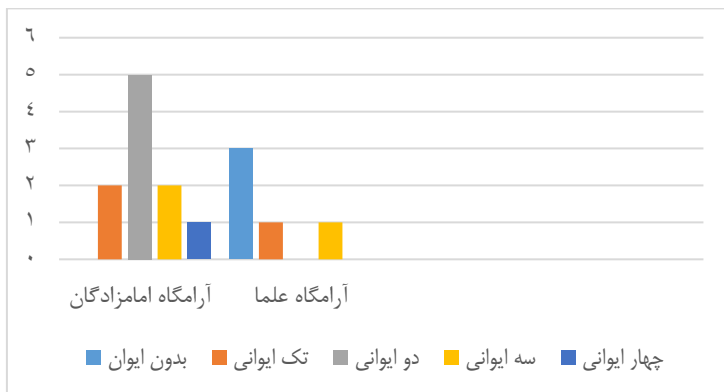


تصویر ۳- درونگرایی و برونگرایی (مأخذ: نگارندگان)

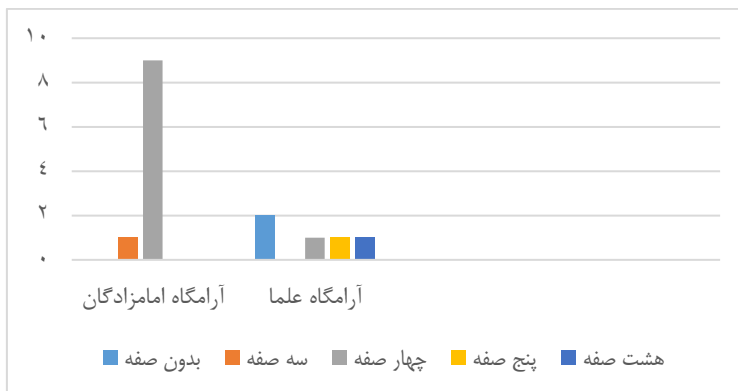
### ۵-۲- ایوان و صفه

از میان نمونه‌های بررسی شده امامزادگان، ۵۰ درصد نمونه‌ها دو ایوانی، ۲۰ درصد نمونه‌ها تک ایوانی، ۲۰ درصد ۳ ایوانی و ۱۰ درصد مابقی، چهار ایوانی هستند (جدول ۱). در مورد دسته دوم مقابله نیز، ۶۰ درصد بدون ایوان، ۲۰ درصد تک ایوانی و ۲۰ درصد دیگر هم سه ایوانی هستند (جدول ۲).

در مورد تعداد صفها نیز، در دسته اول آرامگاه‌ها، ۹۰ درصد آرامگاه‌ها چهار صفه و ۱۰ درصد سه صفه هستند (جدول ۱). دسته دوم بقاع نیز، ۴۰ درصد بدون صفه، ۲۰ درصد چهار صفه، ۲۰ درصد پنج صفه و ۲۰ درصد هم هشت صفه هستند (جدول ۲).



تصویر ۴- تعداد ایوان‌ها (مأخذ: نگارندگان)

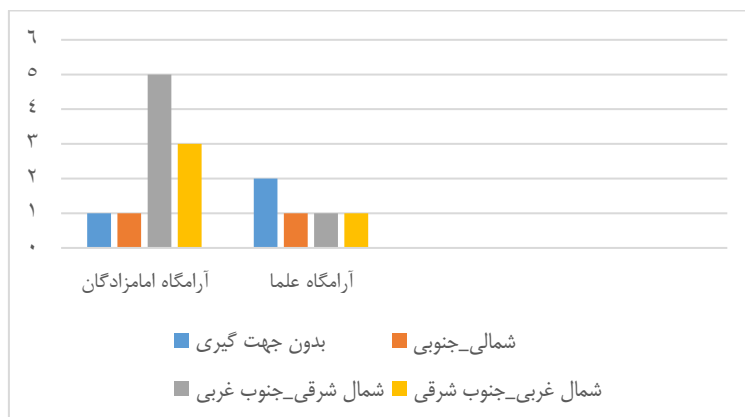


تصویر ۵- تعداد صفتها (مأخذ: نگارندگان)

دسته دوم نیز، ۴۰ درصد بدون کشیدگی و مرکزگرا هستند، ۲۰ درصد کشیدگی شمالی-جنوبی، ۲۰ درصد کشیدگی شمال غربی-جنوب شرقی و ۲۰ درصد هم کشیدگی شمال شرقی-جنوب غربی دارند (جدول ۲).

### ۳-۵- جهت گیری بنا

در دسته اول آرامگاه‌ها، ۵۰ درصد، کشیدگی در راستای قبله یعنی کشیدگی شمال شرقی-جنوب غربی دارند. ۳۰ درصد دارای کشیدگی شمال غربی- جنوب شرقی هستند، ۱۰ درصد کشیدگی شمالی-جنوبی دارند و ۱۰ درصد هم بدون جهت گیری خاص و مرکزگرا می باشند (جدول ۱).



تصویر ۶- جهت گیری بنا (مأخذ: نگارندگان)

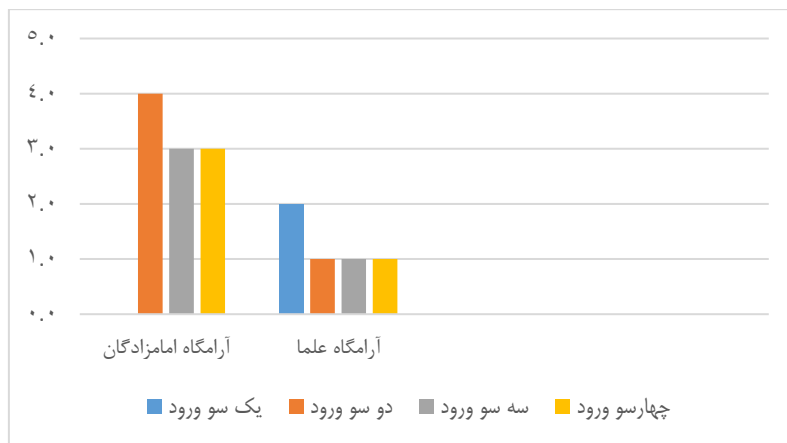
درجه باهم اختلاف دارند)، ۳۰ درصد از سه جهت جغرافیایی و ۳۰ درصد دیگر هم از هر چهار سوی جغرافیایی، امکان ورود (خروج) به بقعه فراهم است

### ۴-۵- جهت ورود به بقعه

در دسته نخست از اینها، ۴۰ درصد آن‌ها از دو سوی جغرافیایی (که در یک مورد این دو جهت باهم زاویه ۹۰ درجه دارند و در سه مورد دیگر، ۱۸۰

اصلی ( درحالی که همانطور که در جهت گیری بناها هم ذکر شد، تعداد زیادی از بناها منطبق با جهات فرعی جغرافیای هستند) این تحلیل صورت پذیرفت. در مواردی، بقاع در یک سوی جغرافیایی بیش از یک ورودی دارند، یا اینکه بین دو ورودی در جهات با زوایای متمم یکدیگر ورودی‌های دیگری نیز وجود دارد که در درصدهای بیان شده با جهتی که به آن نزدیک‌تر بود تجمیع شده و هم ارزش در نظر گرفته شدند. البته موقعیت دقیق و جهت گیری دقیق تمامی آن‌ها در جدول ۱ و ۲، به نمایش درآمده است.

که راستای دقیق ورودی‌ها روی تحلیل‌های جدول یک، نشان داده شده است (جدول ۱). در دومین گونه از مقابر نیز در ۴۰ درصد از آن‌ها، فقط از یک سو امکان ورود به بقعه فراهم است؛ ۲۰ درصد با امکان ورود از دو جهت، ۲۰ درصد از سه جهت و ۲۰ درصد دیگر نیز از هر چهار جهت جغرافیایی امکان ورود به بقعه را فراهم می‌آورند (جدول ۲). درصدهایی که بیان شد الزاماً به معنی قرارگیری ورودی‌ها، عیناً در چهار جهت اصلی جغرافیایی نیست، بلکه با انطباق جداره‌های بقعه با چهار جهت

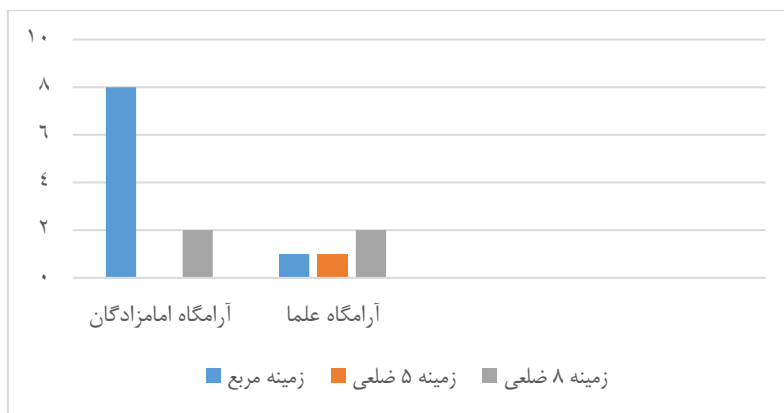


تصویر ۷- جهت ورود به آرامگاه (مأخذ: نگارندگان)

در آرامگاه‌های علما (با جامعه آماری ۴ بقعه) نیز، ۵۰ درصد بر زمینه هشت ضلعی، ۲۵ درصد بر زمینه مربع و ۲۵ درصد دیگر هم بر زمینه پنج ضلعی (گنبد رک بقعه بابا رکن الدین که تنها گنبد رک در میان کلیه بقاع مورد بررسی در جدول یک و دو است) قرار دارند (جدول ۲).

#### ۵-۵- هندسه گنبد خانه

در هر دو گونه، در کلیه آرامگاه‌های مورد بحث، فضای اصلی بقعه، فضایی، مرکز گرا است (جدول ۱ و ۲). در گونه نخست و در ۸۰ درصد نمونه‌ها هندسه فضای زیر گنبدخانه، هندسه مربعی شکل است و در ۲۰ درصد باقی مانده نیز، از هندسه هشت ضلعی بهره‌گیری شده است (جدول ۱).



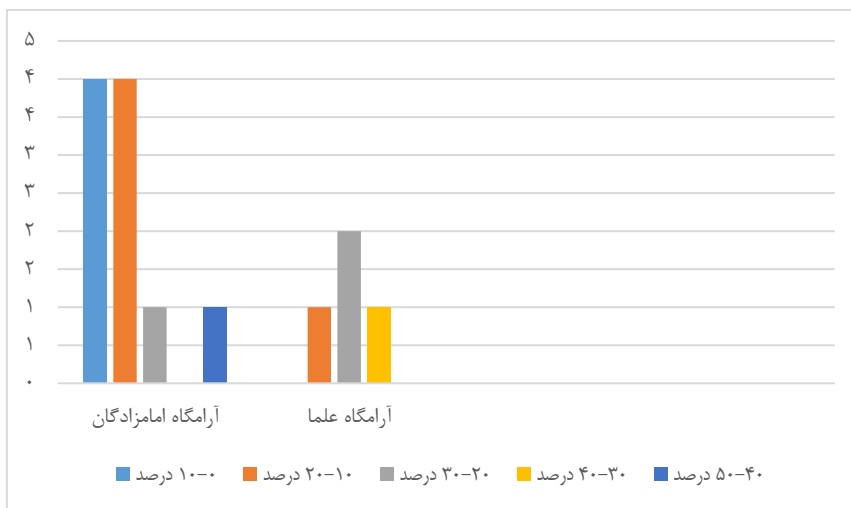
تصویر ۸- هندسه گنبدخانه (مأخذ: نگارندگان)

تا پنجاه درصد از کل فضا را گنبدخانه تشکیل می دهد (جدول ۱).

در گونه دوم آرامگاهها (از میان چهار بقعه موجود) نیز، ۲۵ درصد بقاع، از ده تا بیست درصد، ۵۰ درصد از بیست تا سی درصد و ۲۵ درصد از سی تا چهل درصد مساحت کل را فضای گنبدخانه در بر می گیرد (جدول ۲).

### ۶-۵- نسبت مساحت فضای گنبدخانه به کل بقعه

در بررسی های صورت پذیرفته، معین شد که در ۴۰ درصد آرامگاه های نوع نخست، نسبت فضای گنبدخانه به فضای کل، زیر ده درصد است، ۴۰ درصد بین ده تا بیست درصد، ۱۰ درصد بین بیست تا سی درصد و در ۱۰ درصد مابقی هم، بازه چهل

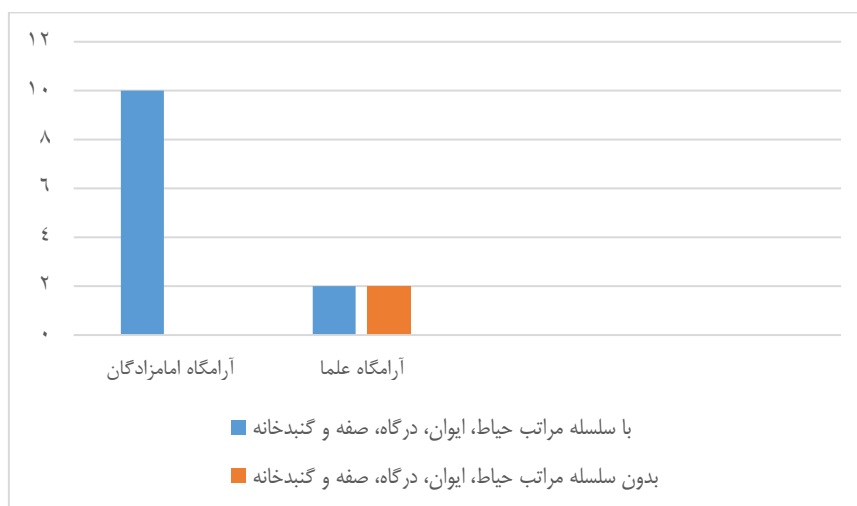


تصویر ۹- نسبت مساحت گنبدخانه به مساحت کل (مأخذ: نگارندگان)

در نیمی از آن‌ها حداقل یک دسترسی به گنبدخانه با الگوی فوق به چشم می‌خورد و در نیم دیگر، چنین الگویی مشاهده نمی‌شود. که البته در این بین هستند نمونه‌هایی که از این الگو نیز پیروی نمی‌کنند، یا اینکه ضمن بهره‌مندی از این مدل سلسله مراتبی، از انواع دیگری از آن نیز استفاده می‌کنند، که در جدول ۱ و ۲ به تفصیل، به واسطه بیان گرافیکی، کلیه این موارد به انضمام ارتباطات فضایی موجود در این بین، به نمایش درآمده است.

#### ۷-۵- سلسله مراتب دسترسی به گنبدخانه

در بررسی‌های صورت پذیرفته در خصوص سلسله مراتب دسترسی به فضای زیر گنبدخانه، در هر دوگونه بررسی شده، در بخش زیادی از نمونه‌ها، الگوی دسترسی حیاط، ایوان، درگاه، صفا و گنبدخانه به چشم می‌خورد، به طوری که در کلیه نمونه‌های مورد بررسی از جدول ۱، حداقل، از میان کلیه روشهای دسترسی به گنبدخانه، در یک مورد، الگوی مذکور، مورد استفاده قرار گرفته است و از میان چهار نمونه گنبددار قابل بررسی در جدول ۲،



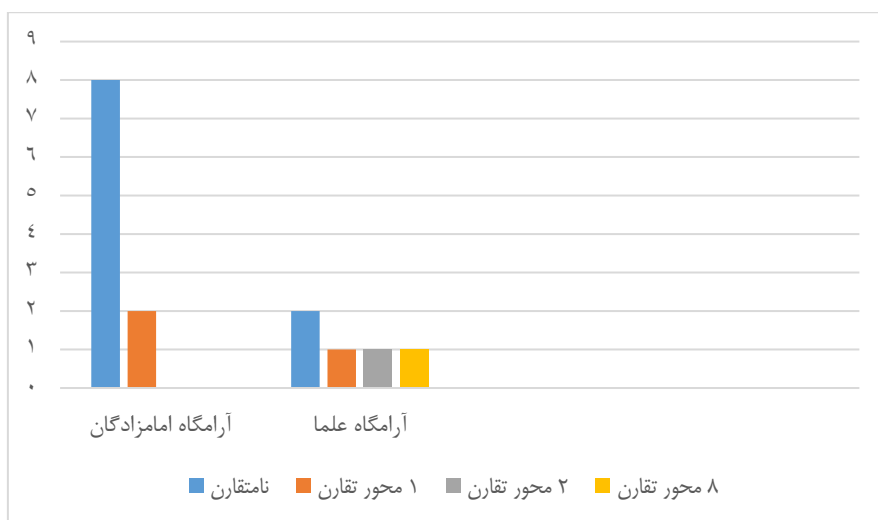
تصویر ۱۰- سلسله مراتب دسترسی به گنبدخانه (مأخذ: نگارندگان)

در مورد مقبره‌های علما نیز، در ۴۰ درصد موارد، خط تقارنی به چشم نمی‌خورد، در بیست درصد موارد، یک خط تقارن، بیست درصد دیگر، دو خط تقارن و در ۲۰ درصد مابقی نیز هشت خط تقارن وجود دارد (جدول ۲).

#### ۸-۵- محور تقارن

در تحلیل‌های منشعب از جدول نخست، این نتیجه منبعث می‌شود که استفاده از فضای متقارن در این قسم از معماری آرامگاهی، جایگاه محکمی ندارد، به طوری که، ۸۰ درصد از این آرامگاه‌ها، فاقد محور تقارن هستند و تنها در ۲۰ درصد موارد، یک خط تقارن در نمونه‌ها مشاهده می‌شود.





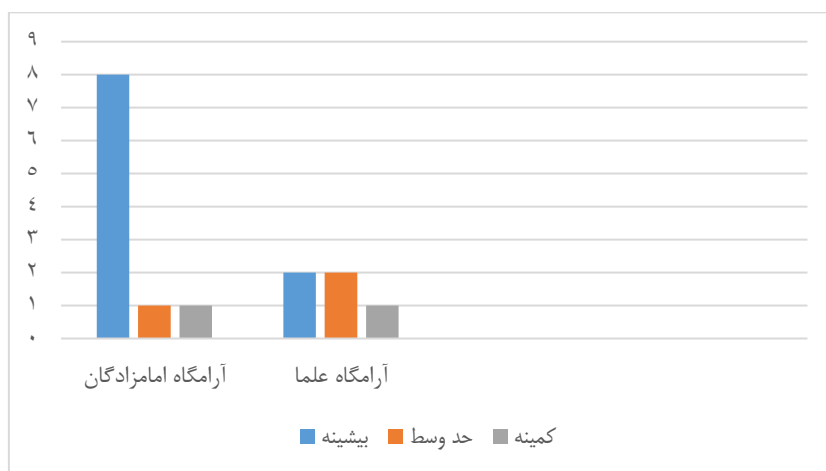
تصویر ۱۱- تعداد محورهای تقارن (مأخذ: نگارندگان)

خویش نسبت به دو طیف دیگر در حد وسط قرار میگیرند.

در دسته دوم از مقابر، ۴۰ درصد آنها، با کشیدگی منطبق بر جهت حرکت خورشید، ۴۰ درصد با فرم مرکز گرا و ۲۰ درصد با کشیدگی شمالی-جنوبی، به ترتیب، از بیشترین، حد وسط و کمترین، امکان برای بهره‌مندی از خورشید برخوردار هستند (جدول ۲).

### ۹-۵- آفتاب گیری بنا

در ۸۰ درصد از مقابر جدول ۱، جهت گیری بنا (شمال شرقی - جنوب غربی یا شمال غربی - جنوب شرقی)، بسته به فصول سال، تقریباً منطبق با جهت حرکت خورشید است و از امکان حداکثری بهره‌مندی از نور و گرمای خورشید برخوردار هستند. در ۱۰ درصد موارد که کشیدگی شمالی-جنوبی دارند، کمترین حد از بهره‌مندی از خورشید و ۱۰ درصد مابقی هم به دلیل فرم مرکز گرای

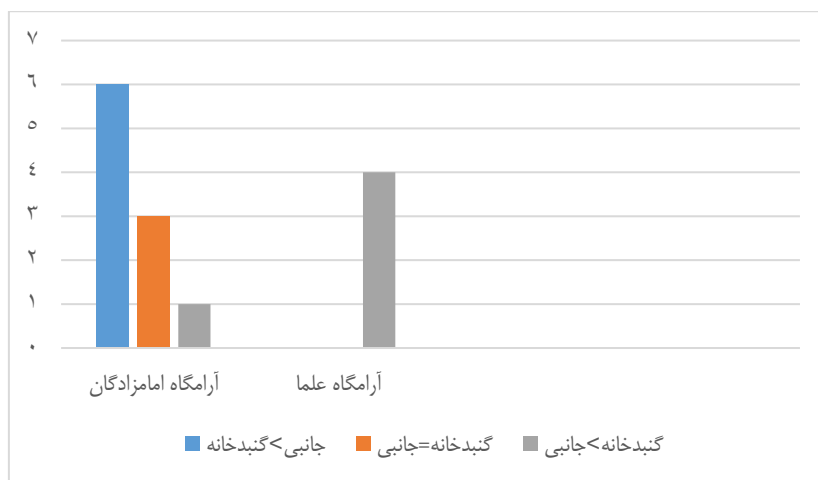


تصویر ۱۲- حد آفتاب گیری بقعه (مأخذ: نگارندگان)

## ۱۰-۵- فضاهای جانبی

در بررسی سطح اشغال فضاهای جانبی، معین شد که در گونه اول از بناهای آرامگاهی موجود در جدول ۱ و در ۶۰ درصد از موارد، سطح اشغال فضاهای جانبی، بیشتر از فضای گنبدخانه؛ در ۳۰ درصد از موارد، سطح اشغال فضاهای جانبی برابر با فضای گنبدخانه و در ۱۰ درصد مابقی هم سطح اشغال فضای گنبدخانه، بیشتر از فضاهای جانبی است (جدول ۱).

در بررسی‌های صورت پذیرفته در مورد گونه دوم از فضاهای آرامگاهی، در کلیه موارد (از چهار نمونه موجود)، سطح اشغال فضای گنبدخانه‌ایاز فضاهای جانبی وابسته، بیشتر است (جدول ۲). لازم به ذکر است در تحلیل‌های صورت پذیرفته، ایوان‌ها و صفت‌ها به عنوان فضاهای غیر مستقل منظور شده‌اند و در محاسبات وارد نشده‌اند. و موارد منتج از تحلیل‌ها با نسبت تقریبی ۵ درصد، بیان شده‌اند.

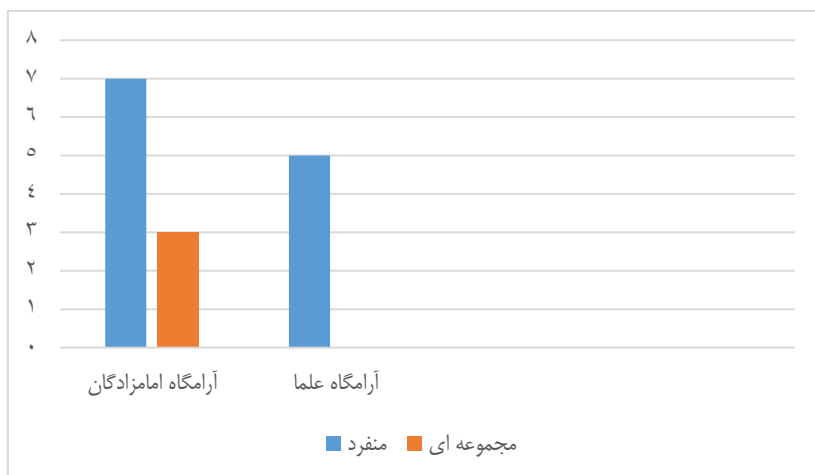


تصویر ۱۳- سطح اشغال فضاهای جانبی در مقایسه با فضای گنبدخانه‌ای (مأخذ: نگارندگان)

## ۱۱-۵- منفرد و مجموعه‌ای

طبق بررسی‌های صورت پذیرفته در ابنیه آرامگاهی جدول ۱، هفتاد درصد ابنیه، منفرد و تنها سی درصد از آنها به صورت مجموعه‌ای و به عنوان عضوی از یک مجموعه چند کارکردی، ایفای نقش می‌کنند.

در مورد ابنیه آرامگاهی جدول ۲ نیز، نتایج حاصله بیانگر برتری کثرت آرامگاه‌های منفرد می‌باشد. بدین ترتیب که هیچ یک از ابنیه این دسته، مجموعه‌ای نیستند.



تصویر ۱۴- بررسی تعدد آرامگاه‌های مجموعه‌ای و منفرد (مأخذ: نگارندگان)

## ۶- نتیجه‌گیری

در این پژوهش، در راستای بازشناسی اصول کالبدی-فضایی، آرامگاه‌های صفوی اصفهان، به واسطه‌ی شأن افراد مدفون در بقعه به دو دسته تقسیم‌بندی شدند:

- دسته نخست، آرامگاه‌هایی که همگی متعلق به اولاد و احفاد ائمه اطهار (ع) هستند که در آن‌ها، سنگ قبر متوفی در وسط فضای زیر گنبدخانه قرار گرفته است و به واسطه‌ی وجود ضریح از فضای اطراف جدا شده‌اند.

- دسته دوم، آرامگاه‌هایی که متعلق به علمای اسلام بوده که در آن‌ها، سنگ قبر متوفی در هسته اصلی فضای بقعه و در فضایی غیر از هسته مرکزی گنبدخانه قرار گرفته‌اند؛ که این فضا نیز عمدتاً، یکی از صفت‌ها است.

نتایج حاصله از بررسی‌ها نشانگر این است که معماری آرامگاهی این دوره، در هر یک از دو گونه موجود، عمدتاً به صورت منفرد و در غالب موارد برون‌گرا است و میل به خودنمایی دارد. در مورد بررسی ایوان‌ها و صفت‌ها، تنوع

تعداد در نمونه‌های موجود بالا است؛ و میان دو گونه مورد بررسی، تمایزاتی به چشم می‌خورد، در گونه نخست، بناهای دو ایوانی، سهم بیشتری از مابقی مدل‌ها را به خود اختصاص می‌دهند و در گونه دوم، بناهای بدون ایوان. فضاهای چهارصفت هم در گونه نخست با نود درصد فراوانی، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند و در گونه دوم، فضاهای بدون صفت با اندکی تفاوت نسبت به بقیه مدل‌ها، از سهم بیشتری در جامعه آماری برخوردار هستند. جهت‌گیری قبلی در بناهای نوع اول، بیشترین فراوانی، و در بقاع نوع دوم بناهای مرکزگرا، بیشترین فراوانی را دارا هستند. با توجه به جزییات جهت‌گیری بناها، با تعریف طیفی سه‌گانه از کمینه تا بیشینه، در بقاع امامزادگان، بیشترین میزان بهره‌مندی از نور خورشید مورد توجه قرار گرفته است و در آرامگاه علما، با وجود نزدیکی آمار مأخوذه به یک‌دیگر، حد وسطی از امکان بهره‌مندی از نور خورشید، بیشترین جامعه آماری را دارد. در

در بررسی محورهای تقارن در هر دو گونه از بنا، نتایج حاصله نشانگر این مطلب است که فضای متقارن در معماری آرامگاهی امامزادگان، کاربرد زیادی نداشته و در مقابل، فضاهای نامتقارن از جامعه آماری بالایی برخوردار هستند؛ در گونه دوم مقابر، جامعه آماری بناهای دارای محور تقارن، بیشتر از بقیه است. سطح اشغال فضاهای جانبی، در اکثر امامزادگان، بیشتر از سطح اشغال فضای زیرگنبدخانه که فضای اصلی بقعه به حساب می‌آید؛ است و در مقابل، در آرامگاه علما، در کلیه موارد، سطح اشغال فضای زیر گنبدخانه بزرگتر از فضاهای جانبی است که نشانگر جایگاه ویژه و توجه زیاد به فضاهای جانبی در گونه نخست آرامگاه‌ها و کم توجهی به این فضاها در گونه دوم است.

نتایج حاصله از بررسی مسیرهای ورود به بقعه، با وجود تنوع بالا و نزدیکی آمار حاصله به یک‌دیگر، بیشترین فراوانی در جامعه آماری گونه نخست را بناهایی با ورودی از دو سمت و در گونه دوم را، بناهایی با ورودی از یک سمت تشکیل می‌دهند. هندسه غالب زمینه گنبدخانه در آرامگاه‌های نوع نخست، مربعی و در آرامگاه‌های نوع دوم، هشت ضلعی است همچنین نسبت مساحت گنبدخانه به کل بنا، در بناهای نخست، غالباً زیر بیست درصد و در بناهای نوع دوم، غالباً بین بیست تا سی درصد است. سلسله مراتب دسترسی به گنبدخانه در بناهای نوع نخست، در غالب موارد از الگوی حیاط، ایوان، درگاه، صفا و گنبدخانه پیروی می‌کند و در بناهای نوع دوم نیز نیمی از آنها از الگوی مذکور تبعیت می‌کنند و نیم دیگر نه.

### منابع

- اثنی عشران، مهدی و تقی پور، فائزه. (۱۳۹۶). شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر بر مدیریت کارآمد بقاع متبرکه در شهر اصفهان. مرمت و معماری ایران. ۱ (۱۴). ۷۵-۸۹
- آیت اللهی، حبیب الله. (۱۳۸۰). کتاب ایران: تاریخ هنر. تهران: انتشارات بین المللی الهدی
- برتون، جوئل پی. (۱۳۷۷). فضای مقدس. ترجمه: مجید محمدی. نامه فرهنگ. ۸ (۲۹). ۱۲۸-۱۴۵
- پوپ، آرتور آپهام. (۱۳۸۸). معماری ایران. ترجمه: زهرا قاسم علی. تهران: سمیرا
- پوپ، آرتور آپهام. (۱۳۹۳). معماری ایران. ترجمه: غلامحسین صدری افشاری. تهران: دات
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۹۵). آشنایی با معماری اسلامی ایران. تهران: غلامحسین معماریان
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۹۴). سبک شناسی معماری ایرانی. تهران: غلامحسین معماریان
- حاجی قاسمی، کامبیز. (۱۳۸۹). گنجنامه: فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران: امامزاده ها و مقابر. ج ۱ و ۲ و ۳. تهران: دانشگاه شهید بهشتی
- حجازی، فخرالدین (۱۳۴۹). نقش پیامبران در تمدن انسان. تهران: بعثت.
- حسینی، سید هاشم. (۱۳۹۵). بررسی روند شکلگیری مجموعه های آرامگاهی در معماری ایران دوران اسلامی بنا بر آراء ابوسعید ابوالخیر. نشریه هنرهای زیبا. ۱ (۳۸). ۱۵-۲۴

- خادم زاده، محمدحسن؛ معماریان، غلامحسین و صلواتی، کامیار. (۱۳۹۶). گونه شناسی تحلیلی مساجد تاریخی حوزه فرهنگی کردستان ایران. مطالعات معماری ایران. ۱ (۱۱). ۱۰۳-۱۲۴
- خاکپور، مینو. (۱۳۹۲). گونه شناسی بقاع متبرکه لاهیجان. مطالعات شهر ایرانی اسلامی. ۴ (۱۳). ۸۱-۹۲
- ربیعی، محسن؛ کریمی، فاطمه؛ زیرک باش، دینا؛ رحیمی، آرزیتا؛ ریاحی، محمد حسین و صفوی زاده، نسرین. (۱۳۹۷). استان شناسی اصفهان. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران
- ری شهری، محمد. (۱۳۸۷). حکم النبى الاعظم. ج ۲. قم: کتابخانه مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- سلطانزاده، حسین. (۱۳۶۲). روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران. تهران: آگاه
- عاملی، شیخ حر. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. ج ۱۴. بیروت: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحياء التراث.
- عقیلی، احمد. (۱۳۸۵). تخت فولاد اصفهان. اصفهان: کانون پژوهش
- غروی، مهدی. (۱۳۷۶). آرامگاه ها در گستره فرهنگ ایرانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- فرح بخش، مرتضی؛ حناچی، پیروز و غنائی، معصومه. (۱۳۹۶). گونه شناسی خانه های تاریخی بافت قدیم شهر مشهد از اوایل قاجار تا اواخر پهلوی اول، مطالعات معماری ایران، ۱ (۱۲). ۹۷-۱۱۶
- قرآن کریم
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۷۹). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: سمت
- گذار، آندره. (۱۳۷۷). هنر ایران. ترجمه: بهروز حبیبی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- گرابار، الگ. (۱۳۷۵). اولین بناهای یادبود اسلامی. فصلنامه اثر. ترجمه: کلود کرباسی. ۱۷ (۲۶ و ۲۷). ۱۶-۵۹
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۶). بحارالأنوار. ج ۹۷. تهران: اسلامیه
- مداحی، سید مهدی؛ معماریان، غلامحسین؛ بمانی نائینی، مونا و خدادادی فخرآبادی، طلیعه. (۱۳۹۶). خوانش و فهم کالبد خانه در معماری بومی خراسان (نمونه موردی: شهر بشرویه دوره ما قبل پهلوی). مسکن و محیط روستا. ۳۶ (۱۵۹). ۶۳-۷۸
- مسعودی اصل، بهزاد؛ فرزین، احمدعلی؛ جوادی، شهره و براتی، ناصر. (۱۳۹۷). مبانی معماری مقابر امامزادگان در ایران. باغ نظر. ۱۵ (۶۴). ۵-۱۴
- معماریان، غلامحسین و طبرسا، محمد علی. (۱۳۹۲). گونه و گونه شناسی معماری. انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران. ۴ (۶). ۱۰۳-۱۱۴
- نظری، سهیل و بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۴). بررسی ریشه های ایرانی معماری آرامگاهی هند در دوره سلاطین دهلی، نمونه موردی: مقبره صوفی رکنی عالم. مطالعات معماری ایران. ۱ (۸). ۲۱-۳۴
- هیلن براند، رابرت. (۱۳۷۷). معماری اسلامی (فرم، عملکرد و معنی). ترجمه: ایرج اعتصام. تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری
- هیلن براند، رابرت. (۱۳۸۷). معماری اسلامی: شکل، عملکرد و معنی. ترجمه: باقر آیت الله زاده شیرازی. تهران: روزنه
- هیلن براند، رابرت. (۱۳۸۰). تاریخ ایران: معماری ایران در دوره صفوی. ترجمه: یعقوب آژند. تهران: جامی
- Costa, J & Eccelles, G. (1996). Perspective on Tourism Development. International Journal of Contemporary Hospitality Management. 8(7). 44-51

## Physical - Spatial typology of Safavid Religious tombs in Isfahan

Azita Belali Oskuyi<sup>1\*</sup>, Yahya Jamali<sup>2</sup>

1- Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

2- M.Sc. Student of Islamic Architectural Engineering, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

### Abstract

The Safavid period is regarded as one of the leading periods in the field of architecture of religious tombs and, consequently, the area of Isfahan in this period as the capital of the state completely reflects the architecture of this era. The purpose of the present study is to identify and categorize the physical-spatial characteristics of the species of this type of architecture which, given the neglect of existing works and consequently their gradual destruction, seems necessary. This study aims to answer the following questions: what are the physical-spatial characteristics of religious tombs and how to assign weighted values to each of these characteristics. In this regard, first the burial features were identified based on Islamic teachings and tomb architecture principles, and then 17 tombs were identified in the Safavid Isfahan and its affiliated territories and classified into tombs of Ulema and imams' offsprings based on the deceased's religious rank and their principles. and their physical-spatial principles and features were analyzed separately by descriptive-analytic method. Finally, by putting together the analyses of each sample, the statistically significant results of the dominant features on the tomb architecture of the Safavid period were obtained in each of the components discussed and in each of the two types examined and presented. Of these, some features common to both species in question, include the extraversion and observance of particular hierarchies of entry into the tombs and the centralized geometry of their predominant main space.

**Keywords:** Architecture, Tomb, Physical-Spatial Structure, Safavid, Isfahan

---

\*Email: a.oskoyi@tabriziau.ac.ir